

## بازسازی الگوی سه‌بعدی تبیین قرآن در سیره نبوی بر پایه تعادل معرفتی عملی و تقنینی

محمد علی اسلامی  
محمد علی مهدوی راد

### چکیده

تبیین قرآن در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم، نظامی جامع برای هدایت انسان و سامان‌دهی جامعه بر مدار وحی است. چالش اصلی در مطالعات قرآنی، عدم استخراج یک الگوی مدل‌محور و سه‌بعدی است که تعادل میان معنا، عمل و ساخت اجتماعی را محور تعلیم قرار دهد. این پژوهش، با هدف بازسازی الگوی سه‌بعدی تبیین قرآن بر پایه تعادل معرفتی، عملی و تقنینی، از روش توصیفی-تحلیلی و استناد به متون اصیل سیره و حدیث بهره می‌گیرد تا این خلاء مدل‌سازی را پر کند و ابعاد اندازه‌شناسی، شیوه‌ها و غایات تبیین را یکپارچه سازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که الگوی تبیین نبوی دارای سه بُعد ساختارمند است. بُعد اول، اندازه تبیین را از سطح فردی (تعلیم ده آیه) تا مقیاس نظام حکومتی تحلیل می‌کند. بُعد دوم، شیوه‌های تبیینی را در سه رویکرد کلامی بیانی (بلاغت و پرسش‌محوری)، رفتاری/عملی (تمرین جمعی و تزکیه) و انطباقی - تیسیر (تدرج و تناسب با مخاطب) معرفی می‌نماید. بُعد سوم، غایات‌های سه‌گانه را تبیین می‌کند؛ از هدف هدایتی-تربیتی (تقدم تزکیه) آغاز شده، از غایت تقنینی-راهبردی (قرآن معیار مشروعیت رهبری) عبور کرده، و به هدف اجتماعی-تمدنی (تعیین منزلت بر اساس دانش قرآنی) ختم می‌شود. دستاورد علمی این تحقیق، بازسازی یک نظام تبیین سه‌بعدی است که تبیین نبوی را سازوکار تربیت، تقنین و تمدن‌سازی می‌داند و زیربنایی برای طراحی الگوی معاصر تعلیم قرآنی در نظام‌های آموزشی رسمی فراهم می‌آورد.

**واژگان کلیدی:** تبیین نبوی، تعادل معرفتی عملی و تقنینی، الگوی سه‌بعدی، سیره نبوی، تیسیر

## ۱. مقدمه

تبیین قرآن در سیره پیامبر اکرم (ص) یکی از ژرفترین و بنیادین‌ترین جلوه‌های رسالت الهی ایشان است. در نگاه نبوی، قرآن صرفاً مجموعه‌ای از الفاظ آسمانی یا آموزه‌های معنوی نبوده، بلکه نظامی جامع برای هدایت انسان و سامان‌دهی جامعه بر مدار وحی محسوب می‌شد. از این رو، نحوه تبیین پیامبر (ص) از آیات، آیین‌های تمام‌نما از روش‌شناسی تربیتی، معرفتی و اجتماعی اسلام است؛ به‌گونه‌ای که هر بیان متناسب با ظرفیت مخاطب، بستر فرهنگی و نیاز تربیتی طراحی شده بود و این خود نشانه‌ی نظام‌مندی و حکمت در آموزش قرآنی آن حضرت است. ایشان در برابر هر آیه نه به‌عنوان مفسر لفظی، بلکه به منزله‌ی معلم و مربی امت عمل می‌کرد و تلاوت‌های شتاب‌زده را که مانع درک و تأمل بودند، منع می‌فرمود، چرا که «مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ فِي أَقَلِّ مِنْ ثَلَاثٍ لَمْ يَفْقَهُهُ» (هر که قرآن را در کمتر از سه روز بخواند، آن را فهم نمی‌کند). این تأکید بر فهم عمیق در مقابل انباشت الفاظ (کاشانی، ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۲۳۱) جوهر نظام آموزشی ایشان را آشکار می‌کند؛ نظیر آنکه در شیوه «اقرء کوثری»، تأثیر عمیق یک آیه بر انسان از انبوه الفاظ ناتدبیر برتر شناخته می‌شد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۸، ص ۸۹). این تعمق نشان می‌دهد که تبیین نبوی دارای ابعاد سه‌گانه و متوازی بوده است. چالش اصلی در مطالعات قرآنی، عدم استخراج یک الگوی جامع، یکپارچه و مدل‌محور از این فرایند سه‌بعدی است؛ الگویی که تعادل میان معنا، عمل و ساخت اجتماعی را محور تعلیم قرار دهد و تبیین نبوی را نه صرفاً یک فعالیت تفسیری، بلکه به‌مثابه سازوکاری تمدنی و تربیتی در قلب رسالت اسلامی معرفی کند.

اگرچه سیره نبوی در تعلیم قرآن پیوسته در مقیاس‌های چندسطحی و با اهداف تقنینی و تمدنی جاری بوده است، اما تحقیقات رایج غالباً تبیین را تنها در بُعد روش‌های بیانی یا فردی تحلیل کرده و از ارائه یک مدل منسجم که ابعاد سه‌گانه اندازه، شیوه و هدف را یکپارچه کند، باز مانده‌اند. در همین راستا، مطالعاتی نظیر کار شهیدی‌پور و ایلیا رضوی (تحلیل روش‌های آموزش قرآن با تأکید بر سیره پیامبر (ص) و اهل‌بیت (ع))، صص ۲۱۳ - ۲۳۰ بر تحلیل روش‌ها متمرکز شده‌اند. همچنین، پایان‌نامه‌هایی چون تحقیق بانژاد (آسیب‌شناسی فرایند آموزش قرآن در نظام آموزش رسمی قرآن بر اساس فرایند آموزش مبتنی بر سیره نبوی) به آسیب‌شناسی نظام‌های رسمی بر اساس سیره نبوی پرداخته یا نظیر تحقیق ایلیا رضوی (روش‌شناسی تعلیم قرآن از دیدگاه پیامبر گرامی (ص) و اهل‌بیت (ع)) صرفاً به روش‌شناسی محدود شده‌اند. هرچند این پژوهش‌ها به‌درستی اهمیت سیره نبوی در امر آموزش قرآن را نشان می‌دهند، اما عمدتاً به تحلیل جزء‌به‌جزء روش‌ها یا مقایسه با نظام‌های کنونی بسنده کرده و از استخراج یک مدل جامع، ساختارمند و سه‌بعدی که تبیین را از سطح فردی به اجتماعی-تمدنی ارتقا دهد و ابعاد اندازه‌شناسی، شیوه‌ها و اهداف (معرفتی، تقنینی و عملی) را یکپارچه کند، غافل مانده‌اند. پژوهش حاضر در پی پرکردن این خلاء مدل‌سازی است و به دنبال آن است که نشان دهد تبیین نبوی فراتر از تزکیه فردی، یک روش‌شناسی تقنینی و اجتماعی برای سامان‌دهی امت بر اساس کلام الهی است. دستاورد علمی این پژوهش، استخراج و بازسازی یک نظام تبیین سه‌بعدی است که زیربنای طراحی الگوی معاصر تعلیم قرآنی در نظام‌های رسمی خواهد بود. با این مقدمات، هدف اصلی این مقاله، بازسازی الگوی سه‌بعدی تبیین قرآن در سیره نبوی بر پایه تعادل معرفتی، عملی و تقنینی است. بر این اساس، سؤالات اصلی پژوهش به شرح زیر تدوین می‌شوند: ساختار چندسطحی اندازه تبیین پیامبر (ص) از تعلیم فردی تا نظام حکومتی چگونه بوده است؟ شیوه‌ها و ابزارهای بیانی، عملی و انطباقی پیامبر (ص) در تبیین قرآن کدامند؟ و غایت‌های سه‌گانه (هدایتی-تربیتی، تقنینی-راهبردی و اجتماعی-تمدنی) تبیین نبوی در سازمان‌دهی امت چگونه تبلور یافته است؟ این پژوهش با استفاده از

روش توصیفی-تحلیلی و استناد به متون اصیل سیره و حدیث، ابتدا به مفهوم‌شناسی «تبیین نبوی» پرداخته و سپس در سه مبحث متوالی، هر یک از ابعاد سه‌گانه (اندازه، شیوه و اهداف) تبیین را به‌صورت مجزا تحلیل و واکاوی می‌نماید تا در نهایت، الگوی سه‌بعدی تبیین قرآن در سیره نبوی به‌صورت منسجم بازسازی و ارائه گردد.

## ۲. مفهوم‌شناسی «تبیین نبوی» و چارچوب نظری

مفهوم‌شناسی دقیق «تبیین نبوی» بنیان درک نظام آموزشی و تربیتی پیامبر اکرم (ص) را فراهم می‌آورد و مستلزم فراتر رفتن از معنای صرف لغوی و دستیابی به یک تعریف اصطلاحی مدل‌محور است. تبیین، از ریشه سه‌حرفی «ب-ی-ن»، در لغت دلالت بر ظهور، آشکار شدن و فصل میان دو چیز دارد. فخرالدین طریحی در مجمع البحرین، تبیین را «ظهور و وضوح شیء» دانسته و بر جداسازی ابعاد یک مفهوم تأکید دارد (طریحی، ج ۲، ص ۱۱۴). این منظور در لسان العرب، تبیین را به مفهوم ایضاح، گشودن آنچه پوشیده است و ارائه دلیل واضح (الدلیل البین) تعریف می‌کند. (ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۱۱۰) راغب اصفهانی نیز در المفردات فی غریب القرآن، این واژه را ایضاح همراه با تمییز معنا کرده است، که نشان‌دهنده لزوم جداسازی حق از باطل در فرآیند بیان است (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق، ص ۸۹).

صفت «نبوی» این مفهوم را از یک فعل صرفاً بیانی به یک کارکرد رسالتی تبدیل می‌کند. در سیره پیامبر (ص)، تبیین فراتر از توضیح لفظی متن، به معنای «اقامه»، «عملیاتی‌سازی» و تبدیل وحی به سیره عملی است. پیامبر (ص) به منزله معلم و مربی امت، تبیین را نه فقط برای افزایش معرفت، بلکه برای تغییر رفتار و سامان‌دهی ساختار اجتماعی به کار می‌گرفت. از این رو، در پژوهش حاضر، «تبیین نبوی» نه یک تفسیر، بلکه نظام تعلیم و مربی‌گری پیامبر در انتقال قرآن از حالت گفتار به عرصه حیات فردی و اجتماعی تعریف می‌شود؛ نظامی که پیوند میان فهم، عمل و تقنین را تضمین می‌کند. این تعریف اصطلاحی با رویکردهای تحلیلی در مطالعات سیره سازگار است که بر جامعیت عملکرد نبوی تأکید دارند، (عاملی، ۱۴۰۲، ص ۱۸؛ جعفریان، ۱۴۰۰، ص ۲۸)

مبانی نظری مدل سه‌بعدی مستقیماً از وظایف سه‌گانه پیامبر (ص) در قبال وحی نشأت می‌گیرد که در آیات متعددی مانند «يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» (بقره، ۱۲۹) تجلی یافته است. این آیه، سه رکن اصلی نظام تبیین نبوی را مشخص می‌کند: تلاوت و تعلیم که ناظر بر بُعد معرفتی و شیوه‌های بیانی هستند؛ و تزکیه که بیانگر لزوم پیوند عمل، تربیت معنوی و فردی با وحی است. تبیین نبوی در این چارچوب نظری، فرآیندی است که میان این سه رکن تعادل برقرار می‌سازد و اجازه نمی‌دهد که آموزه‌های قرآنی تنها در سطح فهم (معرفت) یا صرفاً در سطح عمل فردی (تزکیه) باقی بمانند. بنابراین، چارچوب نظری تحقیق حاضر، تبیین نبوی را در قالب یک نظام سه‌گانه متعادل تحلیل می‌کند که از پیوند معرفت‌شناسی (فهم کتاب)، مدیریت عملی (تزکیه و رفتار) و ساختار اجتماعی-تمدنی (تقنین و اهداف) شکل گرفته است. این ساختار سه‌گانه، ابعاد تحلیلی مقاله را نیز تعیین می‌کند: اندازه‌شناسی تبیین، شیوه‌های تبیینی و اهداف تبیینی، که بازسازی آن‌ها کلید دستیابی به الگوی جامع آموزش قرآن بر اساس سیره نبوی خواهد بود.

## ۳. بعد اول مدل: اندازه‌شناسی تبیین نبوی

در نظام بازسازی‌شده الگوی سه‌بعدی تبیین قرآن در سیره نبوی، «اندازه‌شناسی» نخستین و بنیادین‌ترین بُعد تحلیلی است. درک اندازه تبیین پیامبر اکرم (ص) در تعلیم قرآن، کلید فهم نظام آموزش وحی در صدر اسلام است؛ زیرا ساختار تبیین نبوی نه محدود به فرد و زمان خاص،

بلکه گسترده در همه سطوح حیات انسانی بود. پیامبر (ص) در جایگاه معلم کل امت، قرآن را در مقیاسی چندلایه تبیین کرد که از تربیت فکری فرد تا نهادسازی دینی در جامعه امتداد داشت. این گستره، همان «مقیاس تبیین» است که نشان می‌دهد تفسیر و تعلیم قرآن در سیره نبوی دارای نظامی جامع و پیوسته بوده است. در این چارچوب، شناخت اندازه تبیین پیامبر یعنی تحلیل اینکه چگونه پیامبر، هدایت قرآنی را از سطح آموزش شخصی آغاز کرد و آن را به نظام تمدنی و حکومتی گسترش داد. مطالعه‌ی منابع روایی و تاریخی نشان می‌دهد که پیامبر با روش «اقرء» و تعلیم تدریجی، مخاطب را از یادگیری لفظ به ادراک معنا و عمل سوق می‌داد. چنین تعلیم مرحله‌ای، بنیان رشد تربیتی امت را شکل داد و در سطح خانوادگی، اجتماعی و حکومتی بسط یافت. بدین ترتیب، تبیین پیامبر (ص) مفهومی چندبعدی است که در آن خدانشناسی، تربیت معنوی، عدالت اجتماعی و نهادسازی دینی همزمان جاری بود. بررسی اندازه این تبیین، ما را به فهم الگوی نظام‌مند پیامبر در تبدیل قرآن از متن وحی به زیربنای حیات امت هدایت‌شده رهنمون می‌سازد. در تحلیل مقیاس تبیین، گستره تعلیم و اقرء نبوی از سطح فردی آغاز و تا عرصه‌های خانوادگی، اجتماعی و حکومتی امتداد می‌یابد؛ این مقیاس‌ها در مجموع، ساختار کامل نظام تبیینی پیامبر را تشکیل می‌دهند که اساس آن تعلیم قرآن در سطوح مختلف حیات انسانی است.

### ۳-۱. تبیین در مقیاس فردی و خانوادگی

مقیاس فردی تبیین نبوی، نقطه آغازین ساختار نظام آموزش قرآنی پیامبر (ص) است؛ مقیاسی که با تأکید بر تعلیم تدریجی و اقرء فردی، هدف را بر پیوند عمیق میان معرفت، حفظ و عمل قرار می‌داد. چنان‌که در منابع معتبر روایی و تاریخی آمده، نبی مکرم اسلام (ص) تعلیم قرآن را به شیوه‌ای مرحله‌ای، تدریجی و متناسب با ظرفیت و موقعیت مخاطبان انجام می‌داد؛ و اقرء قرآن نماد جدایی‌ناپذیر این تعلیم بود. در گزارش عبدالله بن مسعود، چگونگی این آموزش نظام‌مند بدین‌گونه آمده است:

قَالَ ابْنُ مَسْعُودٍ: كُنَّا إِذَا تَعَلَّمْنَا عَنِ النَّبِيِّ عَشْرَ آيَاتٍ. (حاکم نیشابوری؛ ۱۴۱۸، ص ۴۴۴)

این روایت که بیان می‌کند «ما از پیامبر مکرم، ده آیه ده آیه یاد می‌گرفتیم»، نشانگر روش تعلیم مرحله‌ای و منظم پیامبر است که حافظه، فهم و عمل به آیات را در کنار هم مورد توجه قرار می‌داد. چنین سیاقی، نشان از عمق تربیت فردی در نظام آموزش نبوی دارد؛ نظامی که در آن، تعلیم قرآن از سطح یادگیری صرف الفاظ فراتر رفته و با تربیت ذهن و رفتار همراه می‌شد. این عمق و پیوستگی در تعامل آموزشی، در بیانی از تاریخ تعلیم قرآن منعکس شده است:

وَكَانَ النَّبِيُّ شَيْخَهُمْ يَتَعَاهِدُهُمْ بِتَعْلِيمِ الْقُرْآنِ. (عتر نورالدین، ص ۴۵)

نقش پیامبر در مقام «شیخ» و راهبر تربیتی، نشان‌دهنده پیوستگی تعلیم قرآنی در سطح فردی و استمرار نظارت آموزشی بر شاگردان است و تعلیم قرآن را عملی پیوسته و تحت مراقبت دائمی معرفی می‌کند. این شیوه، شامل آموزش‌های اختصاصی نیز می‌شد، مانند زمانی که پیامبر (ص) از سوی خداوند مأمور شد تا قرآن را بر یکی از اصحاب بخواند، که نشان‌دهنده عمق و اهمیت اقرء فردی است:

قَالَ لِأَبِي: «إِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي أَنْ أَقْرَأَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ». (ابن حجاج، ۴۳۰، ص ۷۹۸)

«به ابی گفت: «خداوند مرا فرمان داده است که قرآن را بر تو بخوانم». این تعبیر از جامع‌ترین نمونه‌های مقیاس فردی تعلیم پیامبر است که در آن مأموریت الهی اقرء، با تعیین مخاطب خاص همراه می‌گردد. گستره نظری تبیین نبوی در تربیت فردی، محدود به متن قرآن نبود، بلکه شامل آموزش دیگر آموزه‌های دینی با همان دقت می‌شد:

قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ يُعَلِّمُنَا التَّشَهُدَ كَمَا يُعَلِّمُنَا السُّورَةَ مِنَ الْقُرْآنِ. (کاندهلوی، ۱۳۸۵، ص ۲۶)

یعنی پیامبر با همان دقت و نظام آموزشی‌ای که برای قرآن داشت، دیگر آموزه‌های دینی را نیز تعلیم می‌داد. این امر گویای آن است که تبیین نبوی دارای یک نظام آموزشی کل‌نگر بود که تمام ابعاد دینی فرد را تحت پوشش قرار می‌داد. این نظام فردی، در تربیت اختصاصی برخی از اصحاب خاص همچون حضرت علی بن ابی‌طالب (ع) به اوج رسید:

فَمَا نَزَلَتْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص آيَةٌ مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا أَقْرَأَ بِهَا (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۶۴).

هیچ آیه‌ای از قرآن بر رسول خدا نازل نمی‌شد مگر آنکه آن را بر من قرائت و اقرار می‌فرمود. این روایت نشان از تعمیق تربیت اختصاصی و شکل‌گیری حلقات علمی ویژه در سیره نبوی دارد؛ حلقاتی که پایه‌گذار آموزش متنی، تفسیری و حکومتی قرآن در دوره‌های بعد شدند.

در بُعد خانوادگی، مقیاس تبیین پیامبر (ص) خانواده خود را در اولویت آموزش قرار می‌داد. در گزارش‌ها آمده است که ایشان در عدالت آموزشی، اهل بیت را نخستین مخاطبان تعلیم قرار می‌داد و هر آیه‌ای که نازل می‌شد، ابتدا آن را به اهل خانه خویش می‌آموخت (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۶، ص ۲۳۶؛ کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۶۷۱). این روش به ایجاد یک فرهنگ آموزشی مستمر در جامعه منجر شد، به‌گونه‌ای که تعلیم قرآن در خانواده به عنوان یک وظیفه تربیتی نسل به نسل منتقل می‌شد. پیامبر در بیانی، آموزش‌های خانوادگی قرآن را ضامن ایمنی از عذاب قبر دانست:

«هر کس سوره احزاب را قرائت نموده و آن را به خانواده خود و هر کس که در تحت تملک اوست تعلیم نماید، خداوند متعال او را از عذاب قبر ایمنی دهد.» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۳۴۶).

این روایت آشکارا اهمیت خانوادگی تعلیم قرآن در سیره نبوی را نشان می‌دهد و بیانگر نقش پیامبر در شکل‌دهی فرهنگ آموزش خانوادگی قرآن است. در توضیح استمرار این فرهنگ، روایات حاکی از تثبیت سنت خانوادگی تعلیم قرآن بر اثر تأکیدات پیامبر (ص) در جامعه اسلامی نخستین است:

«چگونه ممکن است چنین اتفاقی بیفتد در حالی که ما قرآن را می‌آموزیم و به فرزندان خود اقرار می‌دهیم و فرزندانمان نیز به فرزندان خود اقرار می‌نمایند.» (ابن ماجه، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۱۳۴۴).

و نیز: «ما قرآن را یاد می‌گیریم و به همسران و فرزندان خود اقرار می‌کنیم.» (ترمذی، ۱۹۸۰، ج ۴، ص ۱۳۹)

در جمع‌بندی، مقیاس تبیین پیامبر اکرم (ص) را می‌توان در چهار سطح پیوسته فهم کرد: فردی، خانوادگی، اجتماعی و حکومتی. در سطح فردی، آموزش مستقیم و مراقبت دائم صورت می‌گرفت؛ در سطح خانوادگی، فرهنگ تعلیم ایمانی انتقال نسل‌ها را تضمین می‌کرد؛ ساختار اقرار و تعلیم در سیره نبوی، سامانه‌ای منسجم و فراگیر است که از تربیت فرد آغاز می‌شود، با نظام خانوادگی استحکام می‌یابد و بدین‌ترتیب، مقیاس تبیین پیامبر (ص) بر مبنای الگوی رشد تدریجی ایمان و فهم قرآن در همه شئون حیات مسلمان شکل گرفت.

### ۳-۲. تبیین در مقیاس اجتماعی و حکومتی

مقیاس اجتماعی و حکومتی، مرحله‌ی گسترش تبیین نبوی از دایره‌ی فرد و خانواده به ساختار تشکیلاتی و تمدنی امت اسلامی است. این بُعد در سیره پیامبر اکرم (ص)، به ویژه پس از هجرت به مدینه، با هدف نهادسازی و تثبیت حیات سیاسی و اجتماعی بر مبنای وحی الهی، به وضوح مشهود است. تعلیم قرآن در این مقیاس، عملی بود که غایت آن فراتر از تربیت صرف، بلکه بنا نهادن یک نظام قانون‌گذاری و مدیریتی مبتنی بر نص قرآنی بود. هسته‌ی مرکزی این تحول، مسجدالنبی بود که از یک مکان عبادی به مرکز آموزش‌های عمومی و

تخصصی تبدیل شد و این خود بزرگترین نشانه نهادسازی تعلیم است. در این راستا، گروه اصحاب صفا به عنوان نخستین مؤسسه آموزشی تخصصی قرآن تربیت شدند تا پیامبر بتواند مبلغان آگاه و کارآمد برای تبیین وحی به مناطق گوناگون اعزام نماید. این رویکرد ساختاری، بیانگر آن است که پیامبر (ص) تعلیم قرآن را ابزاری برای انتشار ایدئولوژی و حاکمیت قوانین قرآنی می‌دانست.

در بعد حکومتی و تقنینی، تبیین قرآن به معیار شایستگی برای اعمال حاکمیت و ولایت تبدیل شد. پیامبر (ص) به‌طور مکرر تأکید داشت که شریف‌ترین و برترین مردم کسی است که قرآن را بیاموزد و تعلیم دهد (حرعاملی، ۱۹۸۳م، ج ۴، ص ۸۵۶). این برتری، نه فقط یک فضیلت معنوی، بلکه یک قابلیت عملی برای تصدی امور اجتماعی و سیاسی بود. سیره نبوی مملو از شواهدی است که پیامبر (ص) در نصب فرماندهان و والیان مناطق، کسی را برمی‌گزید که «أَقْرَأَ» (بهرتر خواننده یا آگاه‌تر به قرآن) بود؛ این عمل، دانش قرآنی را معیار انتخاب کارگزاران در نظام حکومتی قرار می‌داد (نسائی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۸۱). بدین ترتیب، تبیین نبوی در این مقیاس، صرفاً آموزشی نبود، بلکه یک فرایند راهبردی و تقنینی برای تولید قانون، اداره جامعه و تعیین صلاحیت رهبران به شمار می‌آمد.

این گستره‌ی تبیین، در نهایت به تحقق غایت تمدنی رسالت نبوی منجر شد. تعلیم الکتاب در سیره پیامبر (ص)، جدای از تزکیه و تلاوت نبود، بلکه هر سه بخش از وظیفه‌ی تربیتی و تمدن‌سازی ایشان را تشکیل می‌داد: «يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» (جمعه: ۲). گویا تبیین «حکمت» در اینجا، ناظر به مدیریت کلان اجتماعی و استنباط قوانین لازم برای ساختار اجتماعی است. بنابراین، تبیین در مقیاس اجتماعی و حکومتی، نشان‌دهنده‌ی بُعد نهایی الگوی سه‌بعدی است که در آن، قرآن از متن صرف به یک طرح جامع برای حیات سیاسی، اجتماعی و ایجاد یک تمدن نوین بر مبنای وحی تبدیل شد.

#### ۴. بعد دوم مدل: شیوه‌های تبیینی پیامبر (ص)

پس از تحلیل ابعاد مقیاسی تبیین نبوی که از فرد آغاز شده و به ساختار اجتماعی می‌انجامد (بعد اول)، اکنون نوبت به تبیین شیوه‌ها و متدهای اجرایی این الگو می‌رسد. شیوه‌های تبیین نبوی، بُعد محوری مدل بازسازی‌شده را تشکیل می‌دهند و تجلی مستقیم رابطه تعلیم، تزکیه و تلاوت هستند که در آیه شریف «يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» (جمعه، ۲) به تصویر کشیده شده است. این شیوه‌ها، به جهت هدفمند بودن، صرفاً روش‌های آموزشی نبوده، بلکه راهبردهای سه‌گانه‌ای هستند که برای تضمین «تعادل معرفتی عملی و تقنینی» در جامعه اسلامی به‌کار گرفته شدند. (مهدوی‌راد، ۱۴۰۴، ص ۵۲۴)

در مدل پیشنهادی، شیوه‌های تبیینی پیامبر (ص) به سه زیربخش اصلی تقسیم می‌شوند: شیوه کلامی (بیانی) که بر بلاغت، وضوح و استدلال نقلی متمرکز است؛ شیوه رفتاری (عملی) که وحدت علم و عمل را تضمین کرده و قرآن را به یک متن زیستنی تبدیل می‌کند؛ و در نهایت شیوه انطباقی (تیسیر محور) که بر تدریج، تناسب‌گزینی و تأویل راهبردی آموزه‌ها در مواجهه با تفاوت‌های فرهنگی و ظرفیتی مبتنی است. این سه شیوه در سیره نبوی نه مجزا، بلکه مکمل یکدیگر عمل می‌کنند تا یک نظام آموزشی سه‌بعدی، جامع و فراگیر را برای تعلیم قرآن سامان دهند. تحلیل دقیق این متدها، هسته‌ی عملیاتی الگوی سه‌بعدی را آشکار می‌سازد.

#### ۴-۱. شیوه کلامی (بیانی)

شیوه کلامی یا بیانی در تبیین قرآن توسط پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، از جوهر بلاغت نبوی سرچشمه می‌گیرد و در حقیقت، تلاوت ایشان صرف قرائت نبوده، بلکه روشی جامع برای انتقال معنا، تربیت دل و استدلال ایمانی محسوب می‌شد. آیه «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي

الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» (سوره جمعه، آیه ۲) آغاز الهی این مسیر را نشان می‌دهد: تلاوت در مقام نخست، سپس تزکیه و تعلیم. در این آیه، «تلاوت» یک فعل بیانی است که پایه تمام تعلیمات پیامبر را تشکیل می‌دهد؛ زیرا در آن، بیان لفظ، ایجاد ارتباط قلبی و استدلال نقلی به صورت همزمان به کار گرفته شده است. از آنجا که قرآن از سنخ «لسان» و «بیان» است، پیامبر در تعلیم آن نه فقط قاری، بلکه مبین الهی بود.

بلاغت پیامبر (ص) در تبیین قرآن از زیبایی و وضوح گفتار آغاز می‌شد. در روایتی از امام باقر علیه السلام آمده است: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ كَانَ أَحْسَنَ النَّاسِ صَوْتًا بِالْقُرْآنِ» (طباطبائی، ۴۲۲ ا ق، ص ۳۰۸). این حسن صوت، عنصری تربیتی محسوب می‌شد؛ زیرا صوت دل‌نواز زمینه‌ی نفوذ معنا در قلب را فراهم می‌کرد. این بلاغت کلامی، با وضوح بیان همراه بود؛ چنان‌که روایت دیگر نقل کرده است: «كَانَ قِرَائَتَهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مَفْسُورَةً حُرْفًا حُرْفًا»، به این معنا که قرائت ایشان واضح، حرف‌به‌حرف و خالی از هرگونه پیچیدگی بود. این وضوح بیانی، نشانگر روش تربیتی است که معنا را از طریق تفکیک دقیق حروف و جمله‌ها در ذهن مخاطب تثبیت می‌کند؛ در حالی که بسیاری از قرائت‌های امروزی، به جهت ادغام و اختلاط اصوات، از آن وضوح معنایی محرومند.

عنصر دیگری از شیوه بیانی، پرسش‌محوری و تمثیل بود که به جای خطابه یک‌سویه، گفت‌وگوی فعال را برای تعلیم جایگزین می‌کرد. نمونه کامل آن در حدیث عقبه بن عامر گزارش شده است: «عَنْ عُقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ، قَالَ: كُنْتُ أُمِّشِي مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، فَقَالَ: يَا عُقْبَةُ، قُلْ. قُلْتُ: مَاذَا أَقُولُ؟ فَسَكَتَ عَلَيَّ، ثُمَّ قَالَ: يَا عُقْبَةُ، قُلْ. قُلْتُ: مَاذَا أَقُولُ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ فَسَكَتَ عَلَيَّ، فَقَالَ: يَا عُقْبَةُ، قُلْ. فَقُلْتُ: مَاذَا أَقُولُ؟ فَقَالَ: قُلْ: أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ... فَقَرَأْتُهَا حَتَّى أَتَيْتُ عَلَى آخِرِهَا. ثُمَّ قَالَ: قُلْ. قُلْتُ: مَاذَا أَقُولُ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: قُلْ: أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ... فَقَرَأْتُهَا حَتَّى أَتَيْتُ عَلَى آخِرِهَا». (ابن طاووس، بی‌تا، ص ۲۳۶)

در این گفت‌وگو، تکرار «قل» و پاسخ‌های عقبه، ساختار بلاغی و تربیتی قرآن را تجسم می‌بخشد. پیامبر با کاربرد فعل «قل»، شاگرد را در متن خطاب الهی داخل می‌کند و از رهگذر تمثیل گفتاری، او را به تجربه وحی و مشارکت فعال در فهم قرآن می‌کشاند؛ این نمونه کامل کاربرد بلاغت، تمثیل و پرسش در یک موقعیت آموزشی است که به انتقال آیه در قالب عمل زبانی منجر می‌شود.

در سیره نبوی، بلاغت نه تنها در صوت، بلکه در نحو و وقف آیات نیز تجلی داشت. چنان‌که روایت شده است: «كُنَّا نَتَعَلَّمُ الْوُقُوفَ كَمَا نَتَعَلَّمُ الْقُرْآنَ» (سیوطی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۱۱۵). این عمل، نمود بلاغت نحوی است؛ زیرا فهم معنای هر آیه، در گرو توقف درست و تمایز دقیق جملات الهی است. امام امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «التَّرْتِيلُ تَجْوِيدُ الْحُرُوفِ وَحِفْظُ الْوُقُوفِ»، یعنی نیکو ادا کردن حروف و شناخت جایگاه وقف، ذات ترتیل قرآنی است. همچنین «كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَقْطَعُ قِرَائَتَهُ آيَةَ آيَةً»؛ پیامبر قرائت خویش را آیه آیه جدا می‌کرد تا مخاطب معنا را مرحله‌به‌مرحله دریابد.

رویکرد تیسیر (آسان‌سازی) در بیان نبوی، قله‌ی بلاغت اجتماعی ایشان است. خداوند فرمود: «وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ» (سوره قمر، آیه ۱۷) و نیز «فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ بِلِسَانِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ» (سوره دخان، آیه ۵۸). این تیسیر به معنای آن است که زبان تعلیم باید در دسترس فهم عمومی باشد. حدیث مشهور «ان الرجل الاعجمی من امتی ليقرا القرآن بعجميته فترفعه الملائكة على عربية» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۴۳۹) عمق بلاغت پیامبر را می‌نمایاند که فهم معنای قرآن مقدم بر صحت لهجه است؛ زیرا بلاغت را نه در ظاهرسازی لفظ بلکه در توان القای معنا و دعوت به ذکر می‌دانست. از همین اصل بلاغی، پیامبر در برخورد با بلال حبشی استفاده کرد؛ هنگامی که منافقان بر لحن او اعتراض کردند، امام علیه السلام

فرمود: « وَمَا يَضُرُّ بِلَا لَحْنُهُ إِذَا كَانَتْ أَعْمَالُهُ مَقْوَمَةً أَحْسَنَ تَقْوِيمٍ، وَمُهَذَّبَةً أَحْسَنَ تَهْذِيبٍ » (محمّدی اشتهدادی، ۱۳۹۶، ص ۱۱۱-۱۱۵). این گفتار نشان می‌دهد بلاغت دینی در سیره نبوی، بر عمل صالح و خلوص نیت استوار است، نه فصاحت ظاهری. همچنین، شیوه خودتصحیح پیامبر که به صحابه اجازه می‌داد قرائت خود را اصلاح کنند، تسهیل آموزشی و بُعد ابتکاری بلاغت نبوی بود: «الصحابه كانوا يختلفون في حفظ آيات القرآن و قرائتها و النبي صلى الله عليه و آله وسلم يجيزهم على ما يقرؤون» (طبری، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۸۶). در نهایت، استدلال نقلی پیامبر (ص) نیز بخشی از شیوه بیانی بود. هنگام انتخاب فرماندهان، استدلال می‌کرد که « بَعَثَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَقَدْ آتَى الْيَمَنَ، فَأَمَرَ عَلَيْهِمْ أَمِيرًا مِنْهُمْ، فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَتُؤَمِّرُهُ عَلَيْنَا وَهُوَ أَصْغَرُنَا؟ فَذَكَرَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قِرَاءَتَهُ لِلْقُرْآنِ » (محمّدی ری شهری، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۷۹). این عمل، نشان می‌دهد که استدلال نبوی در تصمیم‌های اجتماعی، نقلی از قرآن بود و بلاغت حقیقی آن بود که معنا، عمل و گفتار وحدت یابند.

#### ۴-۲. شیوه رفتاری (عملی)

سیره آموزشی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در تعلیم قرآن، بر پایه رفتار عملی و تمرین‌های جماعتی استوار بود. در این شیوه، تعلیم قرآن نه صرفاً گفتار یا تلاوت، بلکه فرآیندی رفتاری و تربیتی بود که به‌صورت عملی و جمعی تحقق می‌یافت. این الگوی رفتاری، قرآن را از سطح مطالعه به سطح زیستن و عمل ارتقاء می‌داد، و چنان‌که در آیه «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» (سوره جمعه، آیه ۲) آمده است، تعلیم و تزکیه در رفتار واحد پیامبر توأمان تحقق یافت.

یکی از محورهای رفتاری این شیوه، رعایت وقوف بر آیات و قرائت تدریجی بود. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم قرآن را با تآتی و تقسیم می‌خواند و هر آیه را جداگانه ادا می‌کرد: «كان النبي (ص) يقطع قرائته آية آية» (حرعاملی، ۱۹۸۳، ج ۴، ص ۸۵۶). همچنین روایت است که ایشان در سوره حمد «يقطعها حرفاً حرفاً» (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۲۳۲). این رفتار، صرف تلاوت لفظی نبود بلکه نوعی تمرین عملی تفکر و درک ساختار معنایی آیات بود. چنان‌که زرکشی می‌نویسد: «اتهم كانوا يتعلمون ما ينبغي أن يوقف عنده كما يتعلمون القرآن» (زرکشی، ۱۹۹۴، ج ۱، ص ۴۹۴). پیامبر محلّ وقف را عملاً نشان می‌داد تا ساختار معنایی آیات نزد شاگردان تثبیت شود. رفتار عملی پیامبر در تعلیم قرآن، جنبه جماعتی نیز داشت؛ صحابه در حضور ایشان هر جمله قرآنی را با توقف متناسب تکرار می‌کردند تا ذهن شنونده با معنا و آهنگ صحیح آشنا شود. در برخی موارد، هر فراز قرآنی به‌صورت جماعتی قرائت می‌شد و بدین‌سان آموزش ترتیل، هم تمرین صوتی بود و هم تمرین فکری. در این نوع تعلیم، رفتار پیامبر نقش الگویی داشت؛ قرآن نه شنیده، بلکه دیده و تجربه می‌شد.

جنبه تربیتی این شیوه در معنای «حرف» نیز نمایان است. چنان‌که امام باقر علیه‌السلام فرمود: « الْأَذَانُ وَالْإِقَامَةُ خَمْسَةٌ وَثَلَاثُونَ حَرْفًا » (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۳، ص ۳۰۲). در این تعبیر، «حرف» به‌معنای جزء و فراز است؛ شمارش اجزاء با انگشتان، خود تعلیم عملی بود که پیوند گفتار با رفتار را شکل می‌داد. روایت دیگر: «الْقِيَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ الْأَذَانُ حَرْفًا حَرْفًا» (ابوداود، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۴۸) نیز به همین معناست و اذان را نمونه‌ای از تعلیم صوتی - عملی پیامبر می‌نماید. همچنین « التَّرْتِيلُ بَيَانُ الْحُرُوفِ وَحِفْظُ الْوُقُوفِ » (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۲۲۵) و نهی پیامبر از عجله در تلاوت « وَلَا تَنْسُرُهُ نَسْرَ الرَّمْلِ، وَلَا تَهْدَهُ هَدَى الشَّعْرِ، حَرِّكُوهُ إِلَى الْقُلُوبِ، وَلَا يَكُنْ هُمْ أَحَدِكُمْ آخِرَ السُّورَةِ » (نوری، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۲۴۲؛ متقی هندی، ۱۹۷۹، ج ۲، ص ۳۱۸)، ماهیت تربیتی ترتیل را نشان

می‌دهد؛ یعنی تعلیم همزمان تلفظ درست، حفظ موضع وقف و حضور قلب در تلاوت، که از منظر رفتاری، یک تمرین اخلاقی و معنوی است.

پایه دیگر آموزش عملی، تمرین‌های دسته‌جمعی وحی یا همان «رکوعات» است. پیامبر قرآن را در واحدهای موضوعی تقسیم می‌کرد: «تعلّموا القرآن خمس آیات خمس آیات» (متقی هندی، ۱۹۷۹م، ج ۲، ص ۲۵۰). این آموزش تدریجی، فهم و عمل را در کنار حفظ جمع می‌کرد و ثبات معنایی را تقویت می‌نمود. نگارش قرآن («تعلّموا القرآن و غنوه و اکتبوه» (قرطبی، ۴۰۸ق، ص ۱۲۹)) و نیز نگاه به مصحف («أعطوا أعینکم حلّها من العبادّة، قال: النّظر فی المصحف والتّفکر فیهِ والاعتبار عند عجائبه» (فیض کاشانی، ۴۰۶ق، ج ۲، ص ۲۳۱)) نیز، تعلیم را از مرحله شنوایی به دیداری و عملی گسترش می‌داد.

به نظر نگارنده، شیوه آموزشی - عملی پیامبر بر اصل تیسیر (آسان‌سازی) مبتنی بر عمل، احساس و جماعت بنا شد. چنان‌که قرآن می‌فرماید: «وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ» (سوره قمر، آیات ۱۷، ۲۲، ۳۲، ۴۰) و «وَتُيسِّرُ لَكَ لِلْيُسْرَى» (سوره الأعلى، آیه ۸). این تیسیر، حتی مقدم دانستن فهم بر صحت لهجه بود: «إِنَّ الرَّجُلَ الْأَعْجَمِيَّ مِنْ أُمَّتِي لَيَقْرَأُ الْقُرْآنَ بِعُجْمِيَّتِهِ، فَتَرْفَعُهُ الْمَلَائِكَةُ عَلَى عَرَبِيَّتِهِ» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۴۳۹). در مجموع، رفتار پیامبر نه صرف الگوی صوتی، بلکه الگوی اخلاقی و اجتماعی بود؛ ساختار تدریجی و رفتاری تعلیم، تربیت را با تعلیم یکی می‌ساخت، زیرا در مدل نبوی، قرآن نه فقط خواندنی، بلکه زیستنی بود و آموزش آن بدون تمرین عملی و اخلاقی معنا نداشت.

#### ۳-۴. شیوه انطباقی و اصل «تیسیر»

سیره آموزشی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در تعلیم قرآن، بر پایه روشی انطباقی و راهبردی استوار بود؛ روشی که تدرّج، تناسب با ظرفیت‌ها و تأویل متناسب با حالات فردی و اجتماعی امت را مبنا قرار داد. در این نگاه، تعلیم قرآن فراتر از آموزش صرف الفاظ و تجوید، در پیوند با واقعیت زندگی انسان طراحی شده بود. پیامبر (ص) به عنوان نخستین معلم، با صوتی زیبا و شمرده و با رعایت وقف‌ها بر اصحاب می‌خواند، اما در عین حال بر کثرت قرائت تأکید نمی‌ورزید و اجازه می‌داد هرکس قرآن را به میزانی بخواند که می‌تواند. آن حضرت بیش از زیادت مقدار خواندن، بر فهم، تأمل و تطبیق قرآن در حیات فردی و اجتماعی صحابه اهتمام داشت. ایشان قرآن را به عنوان یک متن پویا و بخشی از زندگی معرفی کردند و نه متنی جدا از محیط و زمان؛ به گونه‌ای که در زندگی اهل قرآن حضوری دائمی داشت و به تعبیر قرآن، حیات خود را در تعلیم کتاب و حکمت و تزکیه نفس امت نشان می‌داد: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ، وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (سوره جمعه، آیه ۲). تلاوت، مقدم بر تزکیه و تعلیم، نشانگر آغاز مسیر تربیت از متن وحی و تطبیق تدریجی آن بر موقعیت انسان است.

تدرّج در اقرار با اصل مناسبت‌گزینی یا تطبیق آموزش با ظرفیت فردی و فرهنگی شاگردان همراه بود. پیامبر اکرم در سیره عملی خود همواره تناسب حال و استعداد مخاطب را در آموزش مراعات می‌کردند. آن حضرت اجازه می‌داد هر کس قرآن را به وسع خود بخواند و می‌فرمود: «قرآن هر کس به همان میزانی است که بر او اقرار شده و او آن را فرا گرفته است» (مجلسی، ۴۰۶ق، ص ۱۲۵). بنا بر این روش، تفاوت‌های زبانی، لهجه‌ای و قومی مانع پذیرش نبود، بلکه عامل گسترش قرآن در جوامع مختلف می‌شد، چنان‌که در حدیث آمده است: «إِنَّ الرَّجُلَ الْأَعْجَمِيَّ مِنْ أُمَّتِي لَيَقْرَأُ الْقُرْآنَ بِعُجْمِيَّتِهِ، فَتَرْفَعُهُ الْمَلَائِكَةُ عَلَى عَرَبِيَّتِهِ» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۴۳۹)؛ یعنی آموزش در قالبی ارائه می‌شد که مخاطب توان دریافت و عمل بر آن را داشته باشد. نمونه بارز این رویکرد، انتخاب بلال حبشی به عنوان مؤذن

پیامبر است که با وجود اعتراض مخالفان به تلفظ غیر عربی‌اش، پیامبر با دستور وحی اجازه تغییر نداد و فرمودند: «ان سین بلال عندالله الشین» (قمی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۱۰۵). این تأکید بر ارزش اخلاص بلال و نه لهجه او، بیان حقیقی مناسبت‌گزینی است. امیرالمؤمنین علیه السلام نیز فرمودند: «و ما یضر بلالا لحنه اذا كانت افعاله مقومة احسن تقویم و مهذبة احسن تهذیب» (محمدی اشتهاردی، ۱۳۹۶، صص ۱۱۱-۱۱۵). این رفتار نمونه عملی از تأویل راهبردی است که اصالت را در تعلیم به نیت، پاکی عمل و خلوص اخلاقی می‌داند نه شکل ظاهری قرائت.

در وراء تسهیل زبانی، اصل «خود تصحیح» نیز از اصول انطباقی تعلیم نبوی بود. پیامبر نه از راه تذکر مستقیم یا سرزنش، بلکه از راه مشاهده و استماع الگوی صحیح شاگرد را به تصحیح خود دعوت می‌کردند. در نقل تاریخی آمده است: اصحاب آیه‌ها را به‌طور متفاوتی می‌خواندند و پیامبر در عین اطلاع، همان‌گونه که هرکس می‌خواند، برای او تجویز می‌فرمود بدون آنکه تصحیحی مستقیم کند (طبری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۳؛ سیوطی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۸۶؛ حجتی، ۱۳۷۲، ص ۲۸۵). این اجازه انطباقی، راهبردی برای حفظ نشاط، احترام، و پیشگیری از دلزدگی در تعلیم بود. علاوه بر این، تأویل راهبردی در سیره نبوی، فراتر از سطح قرائت، به صحنه‌های اجتماعی راه یافت. در روایت مربوط به اعزام وفد به یمن، پیامبر فرماندهی را به جوان‌ترین فردی داد که بیشترین قرائت قرآن را داشت: «بَعَثَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَفْدًا إِلَى الْيَمَنِ، فَأَمَرَ عَلَيْهِمْ أَمِيرًا مِنْهُمْ، وَهُوَ أَصْغَرُهُمْ، فَمَكَّثُوا أَيَّامًا لَمْ يَسْبِرُوا، فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أُنُومَرُهُ عَلَيْنَا وَهُوَ أَصْغَرُنَا؟ فَذَكَرَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قِرَاءَتَهُ لِلْقُرْآنِ.» (محمدی ری شهری، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۷۹). این رفتار، انطباق آموزه‌های قرآن با شئون زندگی، از حکومت تا کرامت، را نشان می‌دهد.

در بُعد الهی، آیات مکرر بر تیسیر و آسان‌سازی قرآن تأکید دارند: «وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ» (سوره قمر، آیه ۱۷) و «فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ بِلِسَانِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ» (سوره دخان، آیه ۵۸). این آیات، بر انطباق زبانی قرآن با فهم عمومی انسان تأکید دارند و پیامبر در گفتار و رفتار خود، این تیسیر را پیاده کرد. بدین‌سان، روش انطباقی نبوی نه تنها از نظر زمانی، بلکه از نظر فرهنگی و اجتماعی نیز جاری بود. تدرج در تعلیم، تناسب با لهجه و ظرفیت مخاطب، و تأویل آموزه‌ها در موقعیت‌های اجتماعی و اخلاقی امت، سه ضلع این الگوی جامع را تشکیل می‌دهد.

در مجموع می‌توان گفت: تعلیم انطباقی در سیره نبوی، یک راهبرد بنیادین بود که قرآن را از سطح یک متن صرف، به سطح یک نظام زنده و زیست‌پذیر ارتقاء داد. این شیوه با محوریت اصل «تیسیر»، بستر تربیت دینی را پیوسته، متحول و متناسب با حالات افراد، شرایط اجتماعی، زبان‌ها و فرهنگ‌ها حفظ کرد. این تطبیق‌پذیری جامع بود که زمینه نفوذ سریع و گسترده قرآن را در محیط‌های متنوع شبه‌جزیره و سرزمین‌های گوناگون فراهم ساخت و تحقق غایت تمدنی رسالت نبوی را در کوتاه‌ترین زمان ممکن ساخت.

#### ۵. بعد سوم مدل: اهداف سه‌گانه تبیین نبوی

آموزه‌های نبوی در تبیین قرآن، بر پایه هدف‌مندی دقیق و نظام‌مند شکل گرفته‌اند؛ زیرا تبیین قرآن در سیره پیامبر اکرم(ص) صرفاً شرح الفاظ یا انتقال معنا نبود، بلکه فرآیندی هدایت‌محور، تربیتی و اجتماعی بود که غایت آن ساختن انسان مؤمن و جامعه‌ای بر مدار وحی است. تبیین پیامبر از آیات، نتیجه‌ی درک ژرف ایشان از غرض کلی قرآن بود؛ قرآنی که خود را «هُدًى لِلنَّاسِ» (سوره بقره، آیه ۱۸۵) و «تَبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ» (سوره نحل، آیه ۸۹) معرفی

می‌کند. بدین معنا، آموزش و تفسیر پیامبر، حرکتی سامان‌یافته در جهت هدایت انسان‌ها و تنظیم روابط اجتماعی آنان بر اساس قانون الهی تلقی می‌شود. اهداف این تبیین را می‌توان در سه محور اساسی تحلیل کرد: نخست، اهداف هدایتی و تربیتی که معطوف به تزکیه‌ی باطن انسان و تربیت قلبی - ایمانی اوست و از دلِ تعلیم به رشد فکری، اخلاقی و رفتاری می‌رسد؛ دوم، اهداف تقنینی و راهبردی که از تبیین آیات تشریحی و مدیریتی نشأت می‌گیرد و محور اداره‌ی جامعه اسلامی و تنظیم مناسبات حقوقی و سیاسی را تشکیل می‌دهد؛ و سوم، اهداف اجتماعی - تمدنی که از پیام تربیتی و قانونی قرآن فراتر رفته و بنیادهای فرهنگی، تمدنی و بین‌المللی امت اسلامی را سامان می‌دهد.

بر این اساس، تبیین پیامبر(ص) را باید نه بیان مستقل از نظام زندگی، بلکه برنامه‌ای جامع برای پیوند وحی با واقعیت‌های بشری دانست. تبیین نبوی در هر سطح، غایت خاصی را دنبال می‌کرد که هم‌زمان ذهن، قلب، و رفتار انسان را مخاطب قرار می‌داد. در ادامه، هر یک از این محورهای سه‌گانه با رویکرد تربیتی، حقوقی و اجتماعی متن قرآن و با تحلیل سیره‌ی نبوی، به تفصیل بررسی می‌شود تا منظومه‌ی اهداف تعلیم و تبیین پیامبر آشکار گردد.

و بیش از بیان اهداف تربیتی و تزکیه‌ای، شایسته است به این پدیده معنادار و تنبّه‌آفرین که علما نیز بر آن تأکید کرده‌اند، توجه شود: در سال‌های آغازین ایمان‌آوردن مسلمانان و پیوستن آنان به جمع کوچک مؤمنان، این تازه‌گروندگان به پناهگاه‌هایی هدایت می‌شدند تا از گزند دشمنان و مشرکان در امان باشند. آنان پس از برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری برای آینده، هنگام جدا شدن، دست‌ها را بر روی هم می‌گذاشتند و با همخوانی سوره‌ی «والعصر» از هم جدا می‌شدند.

#### ۵-۱. غایت تربیتی و تزکیه‌ای

اهداف هدایتی و تربیتی در تبیین قرآن توسط پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، روح تعلیم قرآنی را آشکار می‌کند. در سیره نبوی، تعلیم قرآن تنها به آموزش الفاظ و تجوید محدود نبود، بلکه تمام رفتار پیامبر بر مدار تربیت انسان قرآنی و هدایت نفوس به سوی حیات طیبه سامان می‌یافت. خدای متعال در آیه شریفه «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ، وَيُزَكِّيهِمْ، وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ، وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (سوره جمعه، آیه ۲) نخستین وظیفه پیامبر را «تلاوت آیات الهی» و سپس «تزکیه» و «تعلیم کتاب و حکمت» معرفی کرده است. این ترتیب، بیانگر تقدم بعد هدایتی و تربیتی بر هرگونه دانش‌افزایی نظری است، زیرا تلاوت رسول اکرم فقط خواندن لفظ نبود، بلکه خواندن برای دگرگونی دل‌ها بود. از همین رو، پیامبر (ص) تأکید داشتند که قرآن را هر گونه که می‌توانید بخوانید و بیشتر بر فهم آن تأکید داشت تا بر کثرت قرائت. ابزارهای مورد استفاده در این شیوه، شامل جنبه لطیف و روح‌بخش تلاوت بود که خود وسیله تربیت و جذب قلوب به قرآن است، چنانکه در روایت امام باقر علیه‌السلام آمده است: «ان رسول الله كان احسن الناس صوتا بالقرآن.» (طباطبائی، ۱۴۲۲ق، ص ۳۰۸) و نیز «كان قرائته صلى الله عليه وآله وسلم مفسرة حرفا حرفا» که الگویی تربیتی برای صبر و دقت در تعلیم الهی شمرده می‌شود. این دقت شامل وقوف و ایست‌های معنایی بود؛ چنانکه در روایت آمده: «كنا نتعلم الوقوف كما نتعلم القرآن» (سیوطی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۱۵)، که تأمل در وقوف انسان را از سطح لفظ به حضور معنا می‌کشاند.

جوهر تربیتی قرآن، در پیوند مستقیم با عمل و خشوع قلبی نمود می‌یابد. این هدف در آیات همچون «فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ۱ وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لَا يَسْجُدُونَ» (سوره انشقاق، آیات ۲۰-۲۱) و «إِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا» (سوره مریم، آیه ۵۸) نشان داده می‌شود که تلاوت هدایتی، به سجده ذاتی و تربیت قلبی منجر می‌شود.

در این راستا، پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم مردم را از تلاوت‌های شتابزده باز می‌داشتند، زیرا «مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ فِي أَقَلِّ مِنْ ثَلَاثٍ لَمْ يَفْقَهُهُ». این پرهیز، معیار تربیت تدبیری است. همچنین، «اقرء کوثری» که تعلیم اندک همراه با خیر بسیار بود («فمن يعمل مثقال ذرة خيرا يره...» - مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۸، ص ۸۹)، تأثیر عمیق یک آیه را بر انبوه الفاظ ناتدبر مقدم می‌شمرد. استمرار این پیوند تربیتی در حدیث «الحال المرتحل» تجلی می‌یابد؛ آنجا که فرمودند: «سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: أَيُّ النَّاسِ خَيْرٌ؟ قَالَ: «الْحَالُ الْمُرْتَحِلُ»، أَيُّ الْفَاتِحِ الْخَاتِمِ الَّذِي يَفْتَحُ الْقُرْآنَ وَيَخْتِمُهُ، فَلَهُ عِنْدَ اللَّهِ دَعْوَةٌ مُسْتَجَابَةٌ.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ص ۱۲۵؛ فیض کاشانی، ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۲۱۳). این مفهوم، بر گردش دائمی میان تعلیم و عمل تأکید دارد.

از منظر تربیتی، این غایت چنان مهم بود که صحت آهنگ و لهجه ظاهری در اولویت قرار نداشت، بلکه خلوص نیت ملاک بود. چنانکه فرمود: «إِنَّ الرَّجُلَ الْأَعْجَمِيَّ مِنْ أُمَّتِي لَيُقْرَأَ الْقُرْآنَ بِعُجْمِيَّتِهِ، فَتَرْفَعُهُ الْمَلَائِكَةُ عَلَى عَرَبِيَّتِهِ» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۴۳۹) و در خصوص بلال حبشی آمده است: «ان سین بلال عندالله الشین» (قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، ج ۱، ص ۱۰۵) و امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «وَمَا يَضُرُّ بِلَالًا لِحُنْهُ إِذَا كَانَتْ أَعْمَالُهُ مَقْوَمَةً أَحْسَنَ تَقْوِيمٍ، وَمُهَذَّبَةً أَحْسَنَ تَهْذِيبٍ» (محمدی اشتهاردی، ۱۳۹۶، صص ۱۱۱-۱۱۵). این روایات نشان می‌دهند که تربیت قرآنی بر کردار صالح و خلوص نیت بنا شده است. در نگاه تحلیلی، غایت تربیتی در سیره نبوی عبارت است از ساخت انسان قرآنی؛ انسانی که مسیر تبیین را از مرتبه تلفظ به مرحله وجودی ارتقا داده و تلاوت را به فهم، فهم را به عمل و عمل را به اخلاص پیوند می‌زند. بدین‌سان، بعد تربیتی، عامل استمرار هدایت در زندگی مؤمن و تحقق بخش جوهر تزکیه‌ای رسالت نبوی است.

## ۲-۵. غایت تقنینی و راهبردی

در راستای اهداف تقنینی و راهبردی قرآن توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم، بعد تقنینی و راهبردی جایگاهی بنیادین دارد؛ زیرا رسالت نبوی در تبیین قرآن، تنها انتقال معنا یا توصیه اخلاقی نبود، بلکه طرحی جامع برای پیوند وحی با نظام اداره و قانون‌مندی جامعه انسانی محسوب می‌شد. پیامبر در مقام مبین و مأمور به «تعلیم کتاب و حکمه» نه تنها آموزگار حقیقت، بلکه قانون‌گذار و تنظیم‌کننده روابط اجتماعی بر پایه وحی الهی بود. جوهره همین نگرش راهبردی پیامبر در روایت شریف زیر تجلی یافته است: «بَعَثَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَفَدَا إِلَى الْيَمَنِ فَأَمَرَ عَلَيْهِمْ أَمِيرًا مِنْهُمْ وَهُوَ أَصْغَرُهُمْ... فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَتُؤَمِّرُهُ عَلَيْنَا وَهُوَ أَصْغَرُنَا؟! فَذَكَرَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قِرَاءَتَهُ لِلْقُرْآنِ» (محمدی ری شهری، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۷۹). پیامبر اکرم با این اقدام، معیار مشروعیت و صلاحیت اداره را از معیارهای عرفی (چون سن و نسب) به معیار قرآنی منتقل کرد.

این روایت، تصویری زنده از پیوند قرآن با نظام تصمیم‌گیری و مدیریت جامعه نبوی است. پیامبر در تعیین مسئولان و مدیران امت، ضابطه را «علم و قرائت قرآنی» قرار داد؛ یعنی کسی که بیش از دیگران با متن وحی پیوند دارد، شایسته‌ترین فرد برای اجرای حکم الهی است. از این منظر، قرائت قرآن نه تنها عمل لفظی بلکه نشانه فهم، تدبر و التزام عملی به احکام الهی تلقی می‌شود. انتخاب بر پایه قرائت قرآن، تأکید بر آگاهی عمیق از میزان و معیار الهی در تصمیم‌گیری بود، زیرا رهبر قرآنی در رفتار خود تابع وحی و در تصمیم‌های خود مأخوذ به عدالت الهی است. از این‌رو، این حدیث محور روشنی برای فهم اهداف تقنینی تبیین قرآن محسوب می‌شود. تقنین در سیره نبوی بدین معنا بود که همه امور اجتماعی و حکومتی باید بر اساس آموزه‌های قرآن تنظیم گردد؛ گزینش فرمانده از میان اهل قرآن همان تبیین عملی اصل

«القرآن میزان کلی اداره» است.

چنین نگاهی جوهره تقنین الهی در برابر سنت‌های اجتماعی جاهلی را آشکار می‌سازد. پیامبر با این رفتار قانون مشروعیت را بر بنیاد معرفت قرآنی بنا نهاد؛ این همان تحول تقنینی پیام قرآن است - انتقال معیار قانون از عرف انسانی به نص الهی. بدین ترتیب، هدایت الهی از طریق قرآن تبدیل به راهبرد اداره جامعه شد، و تعلیم کتاب و حکمت مطرح در آیه ۲ سوره جمعه تحقق عینی یافت. پیامبر اکرم در این حدیث، تبیین را از سطح لفظی و آموزشی به سطح برنامه‌ریزی و نظام‌سازی ارتقا داده است؛ قرآن از منبع تعلیم، به منبع قانون و راهبرد تبدیل شده است. در جمع‌بندی، می‌توان گفت که هدف پیامبر از تبیین قرآن در بعد تقنینی و راهبردی، ایجاد جامعه‌ای بود که تصمیم‌ها، قانون‌گذاری و رهبری آن همگی انعکاس فهم و قرائت قرآنی باشند؛ حدیث شریف فوق سازوکار تبدیل «قرائت» به «قانون» را نشان می‌دهد. بدین‌سان تبیین پیامبر در این سطح، تجلی کامل آیه «یعلّمهم الكتاب و الحکمة» است: تبیین کتاب در مقام تعلیم، و حکمت در مقام تدبیر و راهبری امت که به هسته‌ی اهداف تقنینی و راهبردی در الگوی بازسازی‌شده مدل تبیین سه‌بعدی می‌انجامد.

### ۳-۵. غایت اجتماعی و تمدنی

در سیره تبیینی پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، قرآن نه تنها کتاب هدایت فردی بلکه منشور حیات اجتماعی و تمدنی امت اسلامی است. پیامبر در جامعه نوپای مدینه، خواندن و حفظ قرآن را از دایره‌ی رفتار عبادی فراتر برده و آن را به معیار شایستگی اجتماعی، مدیریت و جایگاه تمدنی انسان مسلمان تبدیل کرد؛ چنانکه در نظام نبوی، حافظان قرآن محور توازن میان عبادت، علم و خدمت قرار گرفتند. در همین راستا، نبی مکرم اسلام فرمودند: «سزاوارترین مردم نسبت به انجام عبادات، نماز و روزه در آشکار و نهان، حافظ قرآن است.» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۶۰۳). این روایت بیانگر آن است که مرکز ثقل جامعه ایمانی در نگرش نبوی، معرفت قرآنی است؛ حافظ قرآن در مسیر اجتماعی نیز معیار اصالت قرار می‌گیرد و همین پیوند با قرآن، ضامن حیات تمدنی امت اسلامی است.

غایت اجتماعی تبیین قرآن، تضمین مصونیت اخلاقی و ایجاد آرامش عمومی در جامعه است. پیامبر اکرم فرموده‌اند: «قرآن را بخونید و آن را به یاد بسپارید، زیرا خداوند متعال قلبی که قرآن را در خود جای داده باشد را عذاب نمی‌کند.» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۲۴۵). این بیان نشان می‌دهد که دل جامعه وقتی با قرآن در آمیزد، از انحطاط و فساد مصون می‌ماند. این آرامش روانی و امنیت روحی، شرط نخست ایجاد فرهنگ همبستگی و مشارکت اجتماعی است. علاوه بر این، تمثیل نبوی قرآن به «کیسه سر بسته‌ی پر از مشک» که با باز شدن، «بوی مشک فضا را معطر می‌سازد» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۲۴۶)، نقش فرهنگ قرآنی در تعالی اجتماعی را نشان می‌دهد؛ یعنی عمل اجتماعی جدا از تلاوت، تحولی در مظاهر تمدن ایجاد نخواهد کرد.

تحقق این غایت، با تعیین منزلت اجتماعی بر اساس میزان دانش قرآنی همراه بود. ملاک برگزیدن افراد در مأموریت‌های اجتماعی و سیاسی، دانش قرآنی آنان بود. نقل شده که پیامبر مقرر داشت هر مسلمانی که بیش از دیگران قرآن فرا گرفته، بر دیگران فرمان راند و بر مردگان نماز گزارد (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۱۰۰۳). حتی معیار قرب شهیدان بر اساس معرفت قرآنی تعیین می‌شد، چنانکه در جنگ اُحد، شهیدی که بیشتر از قرآن می‌دانست، در آرامگاه نزدیک‌تر به حمزه قرار گرفت (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱۵، ص ۳۸). این سیره با گزینش مدیران جوان اما قاری قرآن تقویت شد؛ آنجا که پیامبر جوان‌ترین فرد را به امیری هینتی به یمن گماشت و دلیل آن را قرائت سوره بقره توسط او اعلام کرد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۳۲). این رفتار، قاعده‌ای خطیر را در بنیاد تمدن اسلامی پی‌ریزی کرد: مدیریت،

امامت و پیشوایی باید بر مبنای فهم وحی باشد، نه امتیازات ظاهری، و قرآن به عامل توزیع منزلت و صلاحیت در جامعه تبدیل شد.

در جمع‌بندی تحلیلی، غایت اجتماعی-تمدنی تبیین پیامبر، بازآفرینی انسان و جامعه در مسیر صعود است، صعودی که امتداد آن در جهان آخرت با درجات بهشت متناسب با آیات قرآن متجلی می‌شود. این نگرش، ساختن جامعه‌ای قرآنی را مترادف با ساختن «بهشت زمینی» می‌داند؛ زیرا قرآن معیار تعالی انسان و معیار سنجش مراتب اجتماعی مؤمنان است. بدین‌سان، بُعد اجتماعی-تمدنی، در الگوی سه‌بعدی تبیین، نقش غایت کرامت‌بخش را ایفا می‌کند که با نهادینه‌سازی تخصص قرآنی در ساختار قدرت، جوهر وحی را تبدیل به نیروی بنیادین توسعه فرهنگی و تمدنی امت اسلامی می‌نماید.

نسخه  
پیش  
از انتشار

## ۶. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بازسازی الگوی سه‌بعدی تبیین قرآن در سیره نبوی بر پایه تعادل معرفتی، عملی و تقنینی، نشان داد که فرایند تعلیم وحی توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فراتر از یک فعالیت تفسیری صرف بوده و یک نظام جامع و مدل‌محور برای هدایت و سازمان‌دهی امت محسوب می‌شود. دستاورد محوری این مقاله، استخراج و تبیین الگوی سه‌بعدی منسجمی است که ابعاد «اندازه‌شناسی»، «شیوه‌ها» و «غایات» تبیین را به‌طور متوازن و هم‌بسته تحلیل می‌کند و تعادل میان فهم (معرفت)، رفتار (عمل) و ساختار اجتماعی (تقنین) را به‌عنوان جوهر روش‌شناسی نبوی معرفی می‌نماید.

در بُعد اندازه‌شناسی تبیین، مشخص شد که پیامبر (ص) آموزش را از مقیاس فردی (تعلیم ده آیه به همراه عمل) آغاز و آن را به نهادهای اجتماعی و حکومتی مدینه تسری بخشید. در بُعد شیوه‌ها، سیره نبوی نه تنها بر روش‌های بیانی (چون بلاغت و پرسش‌محوری) و عملی (چون تمرین جمعی و نگارش) تأکید داشت، بلکه اصل انطباقی و تیسیر را برای سازگاری وحی با ظرفیت‌ها و فرهنگ‌های متفاوت به‌کار گرفت تا فهم عمیق بر انباشت الفاظ مقدم شود. نهایتاً، در بُعد غایات تبیین، اهداف از تربیتی و تزکیه‌ای (تقدم تزکیه بر تعلیم) آغاز شده، از هدف تقنینی و راهبردی (قرار دادن قرائت قرآن به‌عنوان معیار انتخاب فرمانده و مشروعیت اداره) عبور کرده، و به غایت نهایی اجتماعی-تمدنی (بازآرایی کرامت اجتماعی و منزلت افراد بر محور تخصص قرآنی) ختم می‌شد.

نتیجه‌گیری نهایی حاکی از آن است که تبیین نبوی، در واقع، سازوکار تمدن‌سازی بر اساس کلام الهی بوده است. پیامبر با این الگوی سه‌بعدی، قرآن را از منبع معرفتی به بنیان قانون و راهبرد اداره جامعه تبدیل کرد و با تضمین تعادل میان سه رکن اصلی رسالت (تلاوت، تزکیه و تعلیم)، اجازه نداد که هیچ یک از ابعاد معرفتی، عملی یا تقنینی از دیگری پیشی گیرد. این نظام تبیین سه‌بعدی، خلاء مدل‌سازی جامع را در مطالعات قرآنی پر کرده و می‌تواند زیربنای طراحی و بازسازی الگوی معاصر تعلیم قرآنی در نظام‌های آموزشی رسمی قرار گیرد.

## فهرست منابع

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله، ۱۴۰۴ ق، شرح نهج البلاغه، مصحح: محمد ابوالفضل ابراهیم، قم: مکتبه ایت الله المرعشی النجفی.
۲. ابن حجاج، مسلم، ۴۳۰ق، المنهاج فی شرح صحیح مسلم ابن حجاج، مصحح: مهدی هاشم محمدعلی، دارالمنهاج، جده.
۳. ابن طاووس، علی بن موسی، بی تا، سعد السعود للنفوس منضود، دار الذخائر، قم، چاپ اول.
۴. ابن ماجه، محمد بن یزید، ۱۳۷۲ق، السنن ابن ماجه، به کوشش محمد فؤاد عبدالباقی، دار احیاء الکتب العربیه.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۴۰۸ق، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۶. ابوداود، سلیمان بن اشعث، ۱۳۷۱، سنن ابی داود، داراحیاء السنة النبویه، قاهره، دار احیاء السنة النبویه.
۷. ایلیا رضوی، سیدباقر، ۱۳۹۱، روش شناسی تعلیم قرآن از دیدگاه پیامبر گرامی (ص) و اهل بیت (ع)، پایان نامه کارشناسی ارشد، مجتمع آموزش عالی امام خمینی، جامعه المصطفی العالمیه، قم.
۸. بانزاد، رضا، ۱۳۹۶، آسیب شناسی فرآیند آموزش قرآن در نظام آموزش رسمی قرآن بر اساس فرآیند آموزش مبتنی بر سیره نبوی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه حکیم سبزواری.
۹. ترمذی، محمد بن عیسی، ۱۹۸۰م، سنن ترمذی (الجامع الصحیح)، به کوشش عبدالوهاب عبداللطیف، دارالحدیث، مصر.
۱۰. جعفریان، فرزانه، ۱۴۰۰، تفاضل اجتماعی در قرآن و سیره نبوی (ص)، نشر سروش، تهران.
۱۱. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، ۱۴۱۸، المستدرک علی الصحیحین، حلب، مکتبه المطبوعات الاسلامیه.
۱۲. حجتی، سیدمحمدباقر، ۱۳۷۲، پژوهش در تاریخ قرآن کریم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران.
۱۳. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۹۸۳م، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، به کوشش عبدالرحیم ربانی شیرازی، بیروت.
۱۴. راغب اصفهانی، ابوالقاسم الحسین بن محمد، ۱۴۰۴ق، المفردات فی غریب القرآن، دفتر نشر کتاب بی جا، چاپ دوم.
۱۵. زرکشی، بدرالدین، ۱۹۹۴م، البرهان فی علوم القرآن، به کوشش یوسف عبد الرحمن مرعشی، بیروت.
۱۶. سیوطی، جلال الدین، ۱۴۱۵، الاتقان فی علوم القرآن، به کوشش مصطفی دیب البغاء، دمشق - بیروت.
۱۷. شهیدی پور، محمدرضا؛ ایلیا رضوی، سیدباقر، ۱۳۹۸، تحلیل روش های آموزش قرآن با تأکید بر سیره پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)، دوفصلنامه علمی مطالعات قرآنی قرآن، س ۷، ش ۱۳، صص ۲۱۳ - ۲۳۰.
۱۸. طباطبائی، محمدحسین، ۴۲۲ق، سنن النبی، نشر جامعه مدرسین، قم.
۱۹. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، مجمع البیان، انتشارات ناصر خسرو، تهران، سوم.
۲۰. طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۵ق، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت.

۲۱. طریحی، فخرالدین، ۱۴۱۶، مجمع البحرين، چ سوم، تهران، کتابفروشی مرتضوی.
۲۲. عاملی، جعفر مرتضی، ۱۴۰۲، سیره صحیح پیامبر اعظم(ص): تجزیه و تحلیل و بررسی، نشر سفیر اردهال.
۲۳. عتر نورالدین، ۲۰۱۱، جمع القرآن الکریم وتوثیقه فی عهد النبی (ص)، ناشر دار الغوثانی، دمشق، چاپ او.
۲۴. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، ۱۳۹۶، محجة البیضاء، نشر فرهوش، تهران، چاپ اول.
۲۵. فیض کاشانی، محمد محسن، ۱۴۰۶، الوافی، اصفهان، مکتبه الإمام امیرالمؤمنین علیه السلام.
۲۶. قرطبی، محمدبن احمد، ۱۴۰۸، التذکار فی افضل الانکار، دارالکتب العلمیه، بیروت.
۲۷. قمی، شیخ عباس، ۱۴۲۰، سفینه البحار، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
۲۸. کاندهلوی، محمدیوسف، ۱۳۸۵، حیات الصحابه، مکتبه البشری، چاپ اول.
۲۹. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۵، کافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ چهارم.
۳۰. متقی هندی، علی بن حسام، ۱۹۷۹م، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، به کوشش صفوة السقا و بکری حیاتی، بیروت.
۳۱. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳، بحار الانوار، مؤسسة الوفاء، بیروت، چاپ دوم.
۳۲. محمدی اشتهااردی، محمد، ۱۳۹۶، زندگی پرافتخار بلال حبشی، نخستین مؤذن اسلام، نشر آستان قدس رضوی، مشهد.
۳۳. محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۶۲، میزان الحکمه، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۳۴. مهدوی راد، محمدعلی، ۱۴۰۴، نگاهی به شخصیت تفسیری آیت الله میلانی، همایش بزرگداشت آیت الله العظمی سیدمحمدعلی میلانی.
۳۵. نسائی، احمد بن علی، ۱۴۰۷، سنن نسائی، قاهره، دارالحديث.
۳۶. نوری، حسین، ۱۴۰۸، مستدرک الوسائل، قم، موسسه آل البيت(ع).
۳۷. واقدی، محمد بن عمر، ۱۴۰۹، کتاب التاریخ والمغازی، بیروت، دارالأعلمی، چاپ سوم.